

علت غائی نظام سیاسی پیشرفته اسلامی؛ چیستی، ابعاد و استلزامات حصول آن

مجتبی جاذبی*
مهدی مشکی**

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی چیستی، ابعاد و استلزامات حصول علت نظام سیاسی پیشرفته است. مسئله این پژوهش بررسی چیستی و انواع غایت در نظام سیاسی پیشرفته است. روش به کار رفته از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بر خلاف نظام‌های سیاسی توسعه‌یافته که صرفاً غایات مادی و متوسط را به رسمیت شناخته و دنبال می‌کنند، غایات نظام سیاسی پیشرفته بر دو قسم غایت نهایی و غایات متوسط هستند. غایت نهایی این نظام، قرب الهی بوده و غایات متوسط نیازهای پنجگانه عادی انسان هستند که ۵ نهاد حکومت، اقتصاد، خانواده، آموزش و پرورش و مذهب یا حقوق متکفل تأمین آنها هستند. این تحقیق با استفاده از روش اسنادی در سطح تحلیلی به شناسایی علت غائی نظام سیاسی پیشرفته اسلامی و تمایز آن از علت غائی نظام‌های سیاسی توسعه‌یافته غربی و ذکر پاره‌ای از سطوح و الزامات حصول غایت در نظام سیاسی پیشرفته اسلامی می‌پردازد.

واژگان کلیدی

پیشرفت سیاسی، توسعه سیاسی، نظام سیاسی، علت غائی، اسلام سیاسی.

*. دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، قم و پژوهشگر گروه فلسفه سیاسی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم (نویسنده مسئول).
mjazeabi@chmail.ir
** استادیار گروه فلسفه، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم.
meshki.qom@gmail.com
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۵
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۹

مقدمه

علوم و امور اعتباری، از بدو پیدایش به تبع مبانی و غایات بر دو دسته متعالیه (الهی) و متدانیه (دنیوی) هستند. برخلاف مبانی متدانیه که مجموعه‌ای از باورها درباره مبدأ و غایت هستی، انسان و کائنات بوده و رویکردی فرودست و این‌جهانی درباره واقعیت‌ها دارد، مبانی متعالیه آن دسته از باورها در باب جهان و انسان است که برگرفته از آموزه‌های وحیانی بوده و رویکردی توحیدی و قدسی به حقیقت عالم دارند. به‌همین‌سان غایات متعالیه نیز اشاره به اهداف و آرمان‌های قدسی، فرامادی و مانا دارد و غایات متدانیه به اهداف مادی، دنیوی و این‌جهانی اطلاق می‌شود. در صورتی‌که امور و علوم اعتباری مبتنی بر مبانی متعالیه و در راستای وصول به غایات متعالیه باشند، امر و دانش اعتباری متعالیه اسلامی شکل می‌گیرد. همانطور که ابتدای امر و دانش اعتباری بر مبانی متافیزیکی متدانیه و سوگیری به سمت غایات متدانیه زمینه شکل‌گیری امر و دانش متدانیه - سکولار خواهد بود. «نظام سیاسی» و «پیشرفت» از جمله مفاهیم و اموری اعتباری هستند که به تبع مبانی و غایات به دو دسته متعالیه و متدانیه تقسیم می‌شوند. نظام سیاسی اسلامی از نظام‌های سیاسی متعالیه است و نظام سیاسی متدانیه طیف متنوعی از نظام‌های سیاسی همچون لیبرال دموکراسی، سوسیال دموکراسی، مارکسیستی، نئومارکسیستی و ... را در بر می‌گیرد. توسعه و توسعه سیاسی، از مفاهیم متدانیه جدیدی هستند که در تمدن غرب مدرن و توسط اندیشمندان سیاسی - اقتصادی متدانیه به منظور رسیدن به غایات متدانیه تعریف و ارائه شده‌اند. با پایان جنگ جهانی دوم و آغاز جنگ سرد میان دو ابر قدرت شرق و غرب، هریک از دو قدرت جهانی در تلاش برای تضعیف قدرت رقیب و افزایش ضریب حوزه نفوذ خود در کشورهای مستقل بودند. برنامه‌هایی مثل طرح مارشال، دکترین نیکسون و اصل چهار ترومن به‌منظور تغییر هویت کشورهای غیر غربی و ممانعت از نفوذ کمونیسم در این کشورها مطرح شد. در همین راستا وزارت خارجه آمریکا با دعوت از اندیشمندان سیاسی آمریکایی نسبت به تعریف و تدوین الگوهای توسعه غربی برای کشورهای مستقل اقدام کرد (ن. ک. گن ذیر، ۱۳۶۹). در ایران دوره پهلوی نیز طرح‌های مختلفی همچون اصلاحات ارضی و انقلاب سفید با دستور و نظارت کاخ سفید تنظیم و اجرا شد. اما با پیروزی انقلاب اسلامی، تشکیل نظام جمهوری اسلامی و طرح شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» اموری همچون انقلاب فرهنگی، وحدت حوزه و دانشگاه، ضرورت اسلامی شدن دانشگاه‌ها و تولید علوم و نظریات انسانی - اسلامی به‌منظور بر کنار ماندن از علوم انسانی سکولار و نظریات توسعه شرقی و غربی مطرح شد. در همین راستا مفهوم «پیشرفت» برای بر کنار ماندن از مبانی، اهداف و ابزارهایی که توسعه در تمدن و دانش‌های انسانی متدانیه، دربردارنده آنهاست، مطرح شده است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۲/۲۷) هر نظام

سیاسی پس از تعریف اهداف و غایاتی که متناسب با نوع نگرش رهبران و شهروندان به هستی و انسان است، سیاست‌ها و خط‌مشی‌هایی برای رسیدن به آنها تنظیم و اجرایی می‌کند. پیشرفت، وصفی است که پس از سنجش توفیق یا ناکامی نظام سیاسی در وصول به اهداف، به نظام سیاسی داده می‌شود. اگر حرکت نظام سیاسی به سمت غایات مطلوب به جهت موانع و مشکلات کند یا متوقف شود، گفته می‌شود پیشرفت نظام سیاسی کند یا متوقف شده است. در مقابل، اگر نظام سیاسی بتواند در تأمین اهداف متعالی و متوسطی که از آن انتظار می‌رود کامروا باشد، نظامی پیشرفته است. بنابراین «نظام سیاسی پیشرفته» از مفاهیم و امور اعتباری بوده که بیانگر وضع مطلوب نظام سیاسی است و موضوع نظریه پیشرفت سیاسی واقع می‌گردد.

«غایت» واژه‌ای اصالتاً عربی است که در لغت به معنای پایان، نهایت، سرانجام به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۰ / ۱۴۶۱۸). اما در اصطلاح دانش فلسفه، وصف «علت» قرار می‌گیرد و «علت غائی» به علاوه علت مادی، صوری و فاعلی، «علل اربعه» را شکل می‌دهد. غایت به دو معنی به کار می‌رود. غایت در معنای اول به معنی «ما الیه الحریکه» است؛ یعنی نهایی که حرکت به آن منتهی می‌شود و در معنای دوم مرادف «ما لاجله الحریکه» بوده و نشانگر قصد و هدفی است که حرکت و فعل برای تحقق آن صورت می‌پذیرد. (شیرازی، ۱۳۸۳: ۱ / ۷۵۳)

«غایت نظام سیاسی پیشرفته» حداقل در دو معنای به هم پیوسته به اهدافی که مدیران و سیاستمداران از تشکیل و تدبیر نظام سیاسی پیشرفته مد نظر دارند و نیز کارکردهایی که از نظام سیاسی پیشرفته انتظار می‌رود، قابلیت اطلاق دارد. تعبیر غایت نظام سیاسی پیشرفته در این تحقیق، هر دو معنا را در بر می‌گیرد. مقصود از غایت نظام سیاسی پیشرفته، کارکردها و غایاتی است که از آن انتظار می‌رود. باتوجه به تقسیم غایات به دو قسم غایات میانی و غایت نهایی و مطلوبیت غایات میانی در سایه مطلوبیت غایت نهایی (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۲ / ۱۱۰ - ۱۰۹)، غایت نظام سیاسی پیشرفته نیز به دو قسم غایات متکثر میانی و غایت واحد نهایی تقسیم می‌گردد.

با عنایت به آنکه اصطلاح «پیشرفت» در این تحقیق در برابر «توسعه» به کار رفته است، قید «اسلامی» در ترکیب «نظام پیشرفته اسلامی» قیدی توضیحی محسوب می‌شود و در جهت ایضاح بیشتر تمایز پیشرفت از توسعه اضافه شده است. بدیهی است که از قرائت‌های مختلف مذاهب اسلامی، تنها اسلام شیعی دوازده امامی که با عنوان «اسلام ناب محمدی» مورد پذیرش امامین انقلاب اسلامی است (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۲۱ / ۱۹۵)، مد نظر می‌باشد.

درباره پیشینه موضوع پژوهش، گفتنی است که اثری پیرامون علت غائی نظام سیاسی پیشرفته منتشر

نشده است اما آثار متعددی درباره اهداف نظام اسلامی منتشر شده است. از میان این پژوهش‌ها می‌توان به مقاله «غایات و اهداف نظام سیاسی متعالیه» نوشته نجف لکزایی و بهرام دلیر، «اهداف حکومت اسلامی» نوشته یحیی فوزی و مسعود کریمی اشاره کرد که مقاله اول غایت نظام سیاسی را از منظر حکمت متعالیه و مقاله دوم از منظر آموزه‌های اسلامی مورد بررسی قرار داده‌اند. وجه تمایز پژوهش حاضر از پژوهش‌های سابق در آن است که این پژوهش غایت نظام سیاسی را در ارتباط و از منظر «پیشرفت سیاسی» موضوع مطالعه و بررسی قرار داده و تلاش کرده است تمایز نظام سیاسی پیشرفته اسلامی از نظام‌های توسعه‌یافته غربی را از جهت غایت و اهدافی که دنبال می‌کنند نشان دهد. در همین راستا با اتکاء بر بنیادهای انسان‌شناختی اسلامی پیشرفت سه سطح باورها، اخلاق و رفتارها مد نظر قرار گرفته و پیامدهای آن در طبقه‌بندی علوم و ضرورت دانش‌های نظری و عملی بیان شده است. عنایت توأمان به غایات متوسط و نهایی گرچه در سایر آثار ذکر شده است، اما تلقی کردن اسلام و آموزه‌های دینی به مثابه شرط تحقق غایات متوسط، نخستین بار در این مقاله و با استفاده از اندیشه حکمای متعالیه مدنظر قرار گرفته است. به‌طور خلاصه نوآوری این مقاله ابعاد مختلف غایت در نظام سیاسی پیشرفته اسلامی را از طریق امکان جمع بین غایات متوسط و غایت نهایی نشان داده و اثبات می‌کند که بر خلاف نظام‌های سیاسی توسعه‌یافته، دین به‌طور عام و اسلام به‌طور خاص نه مانع پیشرفت سیاسی، بلکه عامل و شرط مهم آن محسوب می‌شود و اتکاء نظام سیاسی پیشرفته اسلامی بر بنیادهای متافیزیکی اسلامی و خصوصاً انسان‌شناسی اقتضای آن دارد که در فرایند پیشرفت به سطوح مختلف نفس انسان و ضرورت انواعی از دانش‌های نظری و عملی عنایت ویژه گردد.

این تحقیق چارچوب نظری خود را تمایز میان نظام سیاسی پیشرفته اسلامی از نظام‌های سیاسی توسعه‌یافته غربی در عنایت به غایت نهایی قرار می‌دهد. با این توضیح که برخلاف این نظام‌ها که با غفلت از غایت نهایی تمام اهتمام خود را به تأمین غایات متوسط معطوف می‌دارند و سرشتی دنیوی و سکولار دارند، نظام سیاسی پیشرفته اسلامی اولاً وجود، اهمیت و ضرورت غایت نهایی را تصدیق کرده و ثانیاً به منظور تحقق آن به غایات متوسط عطف عنایت می‌کند. در همین راستا عنایت غایات متوسط به منظور وصول به غایات نهایی را ملاک قدسی و الهی بودن نظام سیاسی پیشرفته می‌داند. (ن. ک. جاذبی و مشکی، ۱۴۰۰)

تحقیق حاضر در جمع‌آوری مطالب با استفاده از روش اسنادی - کتابخانه‌ای ابتداء غایات متنوع نظام سیاسی پیشرفته اسلامی را از منابع دسته اول (کتاب، سنت و میراث حکمی سیاسی اسلامی) کشف و ضبط می‌نماید و در مرتبه بعد با کاربرست روش اجتهاد فقهی استلزامات اصول آن غایات را احصاء کند.

الف) غایت نهایی نظام سیاسی پیشرفته

همانطور که سلسله علل فاعلی، منتهی به فاعل بالذات می‌گردد، در سلسله علل غائی نیز، گریزی از غایت بالذات نیست. غایت نهایی همان غایت الغایات است و غایت الغایات چیزی جز همان مبدا المبادی نیست (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۱ / ۶۸). این حقیقت فلسفی در لسان وحی در آیه شریفه «إِنَّمَا إِلَهُ الْإِنسَانِ إِلَهُهُ رَاجِعُونَ» (بقره / ۱۵۶) آمده است. با این توضیح به نظر می‌رسد که غایت نهایی همه امور اختیاری و ارادی انسان مسلمان در حوزه حکمت عملی و از جمله آنها تشکیل و تدبیر نظام سیاسی پیشرفته، وصول انسان به کمالات و تربیت انسان کامل است. امری که در متون وحیانی و نیز دانش‌های فلسفه، کلام، عرفان و اخلاق با تعابیر مختلفی بیان شده است؛ از جمله این تعابیر می‌توان به سعادت (هود: ۱۰۸)^۱، فوز (حشر: ۲۰)^۲، فلاح (اعلی: ۱۴)^۳، نیک‌بختی (ارسطو، ۱۳۷۸: ۳۸۶)، سعادت قصوی (فارابی ۱۹۸۶م: ۵۵)، تخلق باخلاق الله و تشبه بآله (الشیرازی، ۱۹۸۱م: ۱ / ۲۲) خلیفه‌الله شدن انسان (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۰۲) و شکوفایی فطرت مخموره الهیه (موسوی خمینی، ۱۳۸۷: ۸۲ - ۷۵) اشاره کرد که از حیث مفهومی متفاوت هستند اما از نظر مصداق بیانگر مراتب مختلف کمال انسان است. در همه این تعابیر وجود مبدأ و منتهایی قدسی برای عالم و آدم مفروض گرفته شده است و با عبارات و الفاظی که مآلوف اصحاب و اندیشمندان آن دانش است، بیان شده است.

نظام سیاسی پیشرفته، وجودی اعتباری است که به سبب آنکه رهبران و شهروندانی پیشرفته و کمال‌یافته دارد، متصف به وصف پیشرفت می‌گردد. پیشرفت در این معنا اشاره به ارتقای سعه وجودی و کمال قوای نظری و عملی آنها دارد. از این‌رو نظام سیاسی در صورتی پیشرفته است که رهبران و شهروندان نظام سیاسی اولاً با عقل نظری مستفید از منابع جامع و متقن معرفتی، غایت نهایی را بشناسند و ثانیاً با عقل عملی تمام تلاش خود را در جهت حصول آن به کار گیرند. تنها با تحقق این دو امر است که نظام سیاسی پیشرفته یا مدینه فاضله شکل می‌گیرد. طبیعی است که نظام‌های سیاسی توسعه‌یافته به دلیل قصور عقل نظری و اختلال در ادراکات عقل عملی از شناخت غایت نهایی و پیگیری آن دور مانده و امور جعلی همچون رفاه و سلطه را هدف خود قرار می‌دهند. (فارابی، ۱۳۸۸: ۳۵)

با عنایت به تشکیک مراتب و حرکت جوهری وجود، حصول غایت نهایی از خلقت انسان و تشکیل جامعه و نظام سیاسی امری تشکیکی و تدریجی الحصول است. بنابراین اولاً وصول به هدف نهایی امری

۱. وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَعَلِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ.

۲. أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ.

۳. قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَرَكَ.

دفعی و از نوع «کون و فساد» نیست. ثانیاً هیچگاه مراتب کمال و پیشرفت یک نظام سیاسی پیشرفته ثابت نیست، بلکه به دلیل حرکت اشتدادی یا تنزلی یا تدریجاً بر کمالات آن افزوده می‌گردد یا مبتلابه ضعف و فترت می‌شود. ثالثاً نظام‌های سیاسی مختلف در مراتب متفاوتی از نقص و کمال هستند. از این رو نظام‌های سیاسی نبوی، علوی، حسنی، صفوی و جمهوری اسلامی در ایران به مراتب مختلف متصف به وصف پیشرفت می‌شوند. نظام سیاسی کریمه مهدوی پیشرفته‌ترین نظام سیاسی است که در زمان ظهور حضرت صاحب الزمان علیه السلام و به رهبری ایشان محقق می‌شود و خود این نظام نیز تا حد ممکن رو به کمال خواهد بود.

سطوح و لوازم حصول غایت نهایی

۱. پیشرفت انسان در سه سطح باور، اخلاق و رفتار

کمال انسان چیزی جز اشتداد وجودی قوای نفس انسانی نیست. در صورتی که قوای نفس انسان به کمال برسند، نفس انسانی متصف به کمال می‌گردد. از جمله قدیمی‌ترین تقسیم‌ها برای قوای نفس بشری، تقسیم آنها به قوای علامه نظری و عماله عملی است (ابن‌سینا، ۱۳۸۷: ۲۴۲ - ۲۴۱). انسان از این ظرفیت برخوردار است که با قوای نظری حقایق ثابت که پیدایش آنها به دست او نیست را شناسایی می‌کند و با قوای عملی خود خیرات و شرور را فهم کرده، خیرات را متعلق اراده و فعل اختیاری خود قرار داده و در خارج محقق سازد و شرور را ترک کند. نتیجه تأملات عقل نظری در شناخت هستی‌های حقیقی، شکل‌گیری فلسفه نظری است و محصول تأملات عقلی در هستی‌های مقدور بشری، حکمت عملی یعنی شناخت بهترین رفتار و تحصیل توان بر انجام آنها است (فارابی، ۱۳۹۰: ۱۱۱ - ۱۱۰). بنابراین انسان در صورتی به کمال می‌رسد که عقل نظری و عملی کامل جهت شناخت حقیقت و گزینش خیرات کامیاب داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۱ / ۱۵۴).

دین به عنوان مجموعه‌ای از معارف و دستورالعمل‌ها که برای هدایت بشر و رساندن او به سر منزل مقصود از سوی خدا نازل شده است، در تناسب با قوای نفس انسان و نیازهای اوست. بر همین اساس محتوای آموزه‌های دینی در سه بخش اعتقادات، اخلاقیات و رفتارها که شکوفایی عقل نظری و عملی انسان را نتیجه می‌دهند، قرار می‌گیرند. شهروندان نظام سیاسی پیشرفته با تبعیت از رهبران این نظام در اعتقاد به باورهای دینی، عقل نظری خود را شکوفا ساخته و با نگاهی جامع به انواع، سطوح و مراتب هستی، با استفاده از براهین متشکل از مقدمات درست، وجود هستی‌های نامقدور را به نحو یقینی در می‌یابند (فارابی، ۱۳۸۸: ۳۵) و با گذر از مراحل ظن و تقلید به قدر وسع کمال می‌یابند و تشبه به باری تعالی پیدا می‌کنند (الشیرازی، ۱۹۸۱م: ۱ / ۲۲).

مبانی متافیزیکی و بنیادهای نظری نظریه پیشرفت سیاسی اسلامی که در فصل دوم مرور شدند، بخشی از مهم‌ترین باورها و معتقدات رهبران و شهروندان نظام سیاسی پیشرفته را منعکس می‌سازد. باور به این معتقدات ره‌آورد ایمان راسخ آنها به آموزه‌ها و معارف اعتقادی دینی و نیز استفاده از دستاوردهای متقن علوم عقلی و تجربی است.

بعد از حصول یقین و باور عمیق به حقایق که شکوفایی و کمال عقل نظری را نتیجه می‌دهد، نوبت به تنظیم رفتارها و کردارهای انسان به‌منظور شکوفایی و کمال عقل عملی او می‌رسد. برخلاف برخی از فِرَق اسلامی همچون مرجئه که صرف اعتقاد و باور برای رسیدن به کمال را کافی می‌دانند (السبحانی، ۱۴۲۷ ق: ۳ / ۱۰۰) از منظر اسلام ناب علاوه بر اعتقاد، رفتارهای ارادی انسان در حصول سعادت و شقاوت او تأثیر دارد. اینکه در قرآن کریم بارها پس از ذکر ایمان، به عمل صالح تصریح می‌کند (رعد: ۲۹/)، اشعار به همین حقیقت دارد.

علاوه بر اعتقاد و رفتار، فضائل و رزائل اخلاقی بخش دیگری از کمالات و نقایص نفس بشری هستند که خصوصاً در صدور افعال اختیاری از انسان و به تبع آن در کمال و تنزل انسان نقش فراوانی دارند. در متون دانش سیاسی اسلامی افعال جمیله نامیده شده و هیئات نفسانی که منشاء صدور این افعال است فضائل نامیده می‌شوند. در مقابل به افعالی که سعادت انسان را به تعویق می‌اندازند، افعال قبیح و به هیئاتی که منشاء صدور افعال قبیح است، رذائل و نقایص گفته می‌شود (فارابی، ۱۹۹۱ م: ۱۰۶). علاوه بر نقش‌آفرینی فضائل و رزائل در بروز فعل اختیاری، با تکرار افعال اختیاری اثری در نفس بر جای می‌ماند که ملکه نامیده شده و صدور افعال اختیاری را تسهیل می‌کنند (تهرانی، ۱۳۹۱: ۱ / ۳۲). بنابراین افعال اختیاری برآمده از فضائل و رزائل بوده و ضمناً نقش تحکیم‌کنندگی آنها را ایفا می‌کنند. نتیجه آنکه اگر نفس انسانی برخوردار از فضائل اخلاقی و عاری از رزائل اخلاقی باشد، می‌تواند به کمال نهایی و قرب الهی برسد.

خلاصه آنکه با توجه به سطوح و مراتب نفس انسانی، حصول کمال به مثابه هدف نهایی نظام سیاسی پیشرفته منوط به آن است که نفوس شهروندان در مرتبه باورهای اعتقادی مربوط به دریافت‌های عقل نظری، تحکیم فضائل اخلاقی و صدور خیرات رفتاری که مربوط به عقل عملی است، به کمال لایق رسیده باشند.

۲. ضرورت دانش‌های نظری و عملی

حصول کمال انسان در سه حوزه پیش‌گفته امری تصادفی نیست. از جمله لوازم و ضرورت‌ها برای حصول این هدف، توجه به نظام آموزشی، پژوهشی و تربیتی نظام سیاسی پیشرفته است. با عنایت به تأکید بر

نافع بودن علم (دیلمی، ۱۴۰۸ ق: ۸۱) و تقسیم آن به علم ابدان و ادیان (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۳۰ / ۴۱۵)^۲ و تقسیم علوم نافع دینی به سه بخش اعتقادات، اخلاق و فقه (کلینی، ۱۳۶۳: ۱ / ۳۲)^۳ در صورتی که رهبران خودساخته نظام سیاسی با تدبیر یک نظام آموزشی و تربیتی که دربردارنده این سه نوع معرفت حیاتی و ضروری باشد، موفق به تربیت عقول نظری و عملی شهروندان گردند، وصول شهروندان به کمال نهایی ممکن خواهد شد.

از آنجایی که دانش سیاسی اسلامی یکی از ارکان شکل‌گیری مدینه فاضله یا نظام سیاسی اجتماعی متعالیه را شناخت غایت حقیقی می‌داند (فارابی، ۱۹۹۱م: ۱۱۳)، دانش‌هایی که کارکرد آنها تربیت و رشد عقول نظری شهروندان برای تصور صحیح غایت نهایی باشد، در نظام آموزشی و پژوهشی نظام سیاسی پیشرفته جایگاه والایی دارند. بنابراین دانش فلسفه و کلام که غایات از خلقت کائنات و انسان را مورد بررسی قرار داده و فلسفه سیاسی که غایت از تشکیل و تدبیر نظام سیاسی را مطالعه می‌کند، ارزشمند تلقی می‌گردند. این در حالی است که در نظام سیاسی توسعه یافته به دلیل تأکید بر روند و فرایند و در نتیجه اهمیت یافتن علت فاعلی به جای علت غایی اساساً نیازی به فلسفه و فلسفه سیاسی احساس نمی‌شود و حتی حکم به مرگ فلسفه و فلسفه سیاسی داده می‌شود. (قزلسفلی، ۱۳۹۳: ۵۶)

علاوه بر غایت‌شناسی که ره‌آورد عقل نظری سلیم است، گرایش به تحصیل غایت نهایی نتیجه عقل عملی غیر مشوب به شهوت و غضب است. به عبارت دیگر در صورتی که عقل عملی تحت سلطه و ریاست قوای شهویه و غضبیه نباشد، انسان مایل و قادر به تحصیل مقدمات در جهت حصول غایت نهایی خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۱۵۵ - ۱۵۴). از این رو دانش‌هایی که یاری‌گر عقول عملی رهبران و شهروندان نظام سیاسی پیشرفته در غایت‌کاوی باشند، ارزشمند خواهند بود.

از جمله این دانش‌ها، فقه به شکل عام و فقه سیاسی به شکل خاص است. دانش فقه با این پیش‌فرض که بین رفتار اختیاری انسان و سعادت و شقاوت او رابطه علی وجود دارد، به منظور کشف خیرات موصل به غایت و شرور مانع از غایت به منابع نقلی معرفت دینی (کتاب و سنت) رجوع می‌کند. فقه سیاسی نیز به مثابه شاخه‌ای از فقه که امر سیاسی را موضوع مطالعه خود قرار می‌دهد (میراحمدی، ۱۳۹۰: ۱۲۴) رابطه میان افعال سیاسی افراد در سطح جامعه و نتایج اخروی آنها را از طریق بیان واجبات و محرمات بیان می‌کند. بنابراین فقه سیاسی دانشی قوی است که از منابع نظام حقوقی متعالی در نظام

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الْعِلْمُ عِلْمَانُ عِلْمٌ فِي الْقَلْبِ فَذَاكَ الْعِلْمُ النَّافِعُ، وَعِلْمٌ عَلَى اللِّسَانِ فَذَاكَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَي خَلْقِهِ».

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الْعِلْمُ عِلْمَانُ: عِلْمُ الْإِدْيَانِ وَ عِلْمُ الْإِبْدَانِ».

۳. قال موسی بن جعفر علیه السلام: «إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ وَ مَا خَلَاهُنَّ هُوَ فَضْلٌ».

سیاسی پیشرفته بوده و جایگاه والایی دارد، امری که در نظام‌های سیاسی توسعه‌یافته به دلیل انکار خصلت معرفت‌بخشی گزاره‌های دینی یا انحصار آنها به حوزه فردی مفقود است و خواست اکثریت افراد جامعه جایگزین آن شده است.

از دیگر دانش‌های ضروری برای وصول به غایت نهایی، علم اخلاق است. چه اینکه در این علم هم‌زبان با علوم لدنی (اربلی، ۱۳۸۱ ق: ۲ / ۳۴۸)،^۱ برای هریک از اجزاء نظری و عملی نفس فضیلتی شمرده می‌شود. حکمت فضیلت جزء نظری نفس، عفاف فضیلت قوه شهویه و شجاعت فضیلت قوه غضبیه است و عدالت جمع تمامی فضائل نظری و عملی نفس است (الشیرازی، ۱۳۶۴، ۳ / ۱۷۷ - ۱۷۶). بنابراین با توجه به نقش مقدمی فضائل و رزائل در افعال اختیاری انسان، علم اخلاق نیز ارزش والایی در نظام سیاسی پیشرفته دارد.

از جمله پیامدهای عملی تأکید بر فضائل نفسانی و شخصیت اخلاقی در کارگزاران و شهروندان نظام سیاسی پیشرفته، آن است که مفسد و آسیب‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ناشی از ضعف عقل نظری و غلبه قوای شهویه و غضبیه بر عقل عملی به حداقل ممکن خواهد رسید. کارگزاران عادل که معاونین «فقیه عادل» در تحقق بر و تقوای سیاسی هستند علاوه بر آنکه در درون نفس خویش عقل را بر شهوت و غضب حاکم ساخته‌اند در تدبیر امور سیاسی اجتماعی نیز بیشترین تلاش را در احقاق حقوق مردم و خدمت به آنان به مثابه عیال‌الله دارند. از این رو برخلاف دولت متدانیه که به منظور پیشگیری از وقوع تخلف و جرم به تشدید نظارت بر کارگزاران سیاسی اقدام می‌کند، در دولت متعالیه عدالت نفسانی اول مانع از صدور مفسده از سوی کارگزار شده و دوم کارگزار را به احقاق حقوق بندگان خدا و مبارزه با ظالمین وای می‌دارد.

ب) غایات متوسط نظام سیاسی پیشرفته

انسان به عنوان عامل و قابل قدرت، دارای مجموعه‌ای از نیازهای مادی و معنوی است که رفع آنها جزو اهداف نظام سیاسی محسوب می‌گردد. والاترین غایت معنوی، حصول عبودیت و قرب الهی است که غایت نهایی بوده و سایر غایات مادی و معنوی، غایات متوسط هستند که نقش مقدمی برای تحصیل آن غایت دارند. بنابراین در نظریه پیشرفت سیاسی اسلامی، نخست تکرر در غایات متوسط پذیرفته شده، سپس پذیرش آموزه‌های اسلام به عنوان دینی الهی، شرط تحقق آن غایات محسوب می‌شود که در ادامه این دو نکته توضیح داده خواهند شد.

۱. وَ قَالَ ﷺ الْفَضَائِلُ أَرْبَعَةٌ أَجْتَسِرَ أَحَدُهَا الْحِكْمَةَ وَ قَوْمُهَا فِي الْفِكْرَةِ وَ النَّائِي الْعِفَّةَ وَ قَوْمُهَا فِي الشَّهْوَةِ وَ الثَّلَاثُ الْقُوَّةُ وَ قَوْمُهَا فِي الْغَضَبِ وَ الرَّابِعُ الْعَدْلُ وَ قَوْمُهَا فِي اعْتِدَالِ.

۱. تنوع غایات متوسط

همانطور که در مبانی انسان‌شناختی گفته شد، انسان بالفعل واجد همه کمالات نیست، بنابراین با عنایت به سرشت اجتماعی حیات انسان، نظام سیاسی زمینه‌ای فراهم می‌سازد تا او در متن جامعه با مشارکت دیگران و حرکت جوهری ارادی به تحصیل کمالات در ابعاد روحی - جسمی، فردی - اجتماعی و دنیوی - اخروی اقدام کند. غایاتی که از نظام سیاسی انتظار می‌رود در دانش‌های مختلف به اشکال متعددی صورت‌بندی شده‌اند. حکمت سیاسی متعالیه حصول معاش به‌منظور وصول به معاد (غایت نهایی) را در صورتی ممکن می‌داند که بدن شهروندان، سالم (سلامت)، نسل آنها دائم (خانواده) و نوع آنها محفوظ (امنیت) باشد (الشیرازی، ۱۳۹۵: ۴۹۴). بنابراین بر وجود و کارکرد سه نهاد بهداشت و درمان، خانواده و دولت در سطح جامعه و مدینه فاضله تأکید دارد. دانش فقه سیاسی، نظام سیاسی را به‌دلیل کارکردی که از آن در حصول غایاتی همچون بسط عدالت، تعلیم، تربیت، حفظ نظم، رفع ظلم، مراقبت از مرزها انتظار می‌رود، ضروری می‌شمارد (امام‌الخیمینی، ۱۴۱۵ ق: ۴۶۲). از منظر جامعه‌شناختی ۵ نهاد حکومت، اقتصاد، خانواده، آموزش و پرورش و مذهب یا حقوق در سطح جامعه مسئولیت رفع نیازهای شهروندان را بر عهده دارند (مصباح یزدی، ۱۳۷۲: ۳۲۵ - ۳۲۴ و کوئن، ۱۳۷۶: ۱۱۰). لازم به‌گفتن است که برخلاف نگرش شایع میان جامعه‌شناسان، این تحقیق دین را یک فرانهاد یا نهاد غالب، برتر و تأثیرگذار بر سایر نهادها می‌داند. سرشت فرانهادی و تأثیرگذار دین در ادامه و ذیل عنوان «اسلام؛ ضمن تحقق غایات» خواهد آمد. بنابراین اگرچه هدف نهایی در نظریه پیشرفت سیاسی اسلامی واحد شمرده می‌شود، اما غایات متوسط، به تعدد و تکثر نیازهای متنوع بشری، متکثر و متعدد هستند و در لسان و آثار اندیشمندان به انحاء مختلفی صورت‌بندی و بیان شده‌اند.

نظام سیاسی پیشرفته پیرو ابتناء بر انسان‌شناسی متعالیه، در انسان‌سازی متعالیه نیز نگاهی جامع به ابعاد وجودی بشر و نیازهای او دارد. این نظام قبل از هر چیز نیازهای مادی، جسمی و دنیوی انسان را بر طرف می‌سازد و سپس به تعالی معنوی و روحی او همت می‌گمارد. بنابراین در مورد اکثریت مردم (بجز انبیاء و کُمَّل اولیاء الهی که به‌منظور اعتلای مقام معنوی با حرمان از مواهب مادی مبتلا و آزموده می‌شوند) این‌گونه غایات نقش مقدمه برای ذی‌المقدمه (غایت نهایی) دارند. به‌نحوی که اگر در متن خانواده و جامعه نیازهای مادی مثل اقتصاد و معیشت، نیازهای غریزی همچون نیاز به همسر و نیازهای معنوی مثل احساس امنیت و ارزشمند بودن برآورده نشود، هیچگاه نوبت به تحقق غایت نهایی نخواهد رسید. بر همین اساس است که در حکمت سیاسی متعالیه، پایان سیاست را آغاز شریعت برشمرده است (الشیرازی، ۱۳۹۵: ۴۹۶). این سخن بدین‌معناست که بعد از رفع نیازهای مادی و حیوانی مثل امنیت، آموزش و پرورش، بهداشت، نوبت به «لیعبدون» می‌رسد (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۴۰).

۲. رویکرد ارزشی به غایات متوسط

در بیان تمایز بنیادین نظریه پیشرفت سیاسی اسلامی از نظریات توسعه سیاسی غربی لازم به ذکر است که نظریات توسعه سیاسی آنچه را که نظریه پیشرفت سیاسی اسلامی غایات متوسط می‌داند، غایت نهایی قرار داده است و در همان حد متوقف شده است. از این‌رو در این منظر سرشت متدانیه نظریات توسعه سیاسی معلول توقف در سطح غایات متدانی است. در مقابل نیز سرشت متعالیه نظریه پیشرفت سیاسی علاوه بر مبانی متعالی، مرهون جستجوی غایت نهایی متعالی از طریق تحقق غایات متوسط است. زیرا از سویی خلقت انسان برای یک حقیقت متعالی‌تر و مقدس‌تر که قداست انسان به اعتبار آن حقیقت است، بوده (مطهری، ۱۳۷۸: ۶ / ۱۵۸) و از سوی دیگر غایات با مبادی تناسب دارند (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۱ / ۳۰۵). از این‌رو غایات متوسط نظام سیاسی پیشرفته اگرچه اموری دنیوی و ناسوتی باشند، از آن جهت که از سوی یک مبدء که غایت نهایی را مدنظر داشته و غایات میانی را برای تحصیل غایت نهایی انتخاب کرده است، بوده است، در پرتو غایت نهایی کسب تقدس می‌کنند. روشن است که این تقدس نه تقدس ذاتی بلکه تقدس توصلی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۸۳) بنابراین تشابه ظاهری غایات و اقدامات رهبران و مردم نظام سیاسی پیشرفته، با غایات و اقدامات تابعین نظام سیاسی توسعه‌یافته نباید این مطلب را به ذهن متبادر سازد که هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند. همان‌گونه که در یک نبرد تن به تن در حوزه جهاد نظامی، طرفین با اقدامات مشابه از خود دفاع می‌کنند، اما در واقع تمام کفر در برابر تمام ایمان قرار دارد (شریف القرشی، ۱۳۹۵: ۲ / ۶۵)^۱ یا آنکه یکی از طرفین مجاهد فی سبیل الله است و دیگری کفر محض (آل عمران: ۱۳)^۲ در نظام سیاسی پیشرفته پیگیری اهداف مادی می‌تواند قرب الهی به دنبال آورد و رهبران و شهروندان را بهشتی سازد اما تعقیب همین اهداف و انجام مشابه این رفتار در نظام سیاسی توسعه‌یافته افراد را از کمال حقیقی خود دور ساخته و در جهنم اخروی مخلد می‌سازد.

بنابراین با عنایت به نقش مقدمی غایات متوسط برای حصول غایت نهایی در نظام سیاسی پیشرفته، ارزش‌های اجتماعی و سیاسی همچون قدرت، عدالت، آزادی، مردم‌سالاری و حقوق بشر نیز در پرتو هدف غایی معنا و ارزش می‌یابند. این معنایی ارزش‌های اجتماعی در پرتو هدف غایی، گاهی تا آنجا

۱. پیامبر اکرم ﷺ هنگام مواجهه امیرالمؤمنین با عمرو بن عبدود در جنگ خندق فرمودند: «بَرَزَ الْإِيمَانُ كُلَّهُ إِلَى الشَّرِّكِ كُلِّهِ؛ تمام ایمان در برابر کفر قرار گرفت».

۲. قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِتْنَتِ الثَّقَاتِ فَبَدَّ تَقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَهُمْ رَأَى الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ.

پیش می‌رود که (به عنوان مثال) نسبتِ معنا، مبانی و مقاصد قدرت، عدالت، آزادی و حقوق بشر در نظام سیاسی پیشرفته با معنا، مبانی و مقاصد قدرت، عدالت، آزادی و حقوق بشر در نظام‌های سیاسی توسعه‌یافته در حد اشتراک لفظی فروکاسته می‌شود. از همین روست که قدرت، هدف غایی نظام‌های سیاسی توسعه‌یافته است اما در نظام سیاسی پیشرفته بسان یک وسیله نگریسته می‌شود (عمید زنجانی، ۱۳۸۰: ۵). همچنین عدالت شرط اساسی رشد سایر ارزش‌های اساسی و امکانات نیک تلقی شده (الصدر، ۱۴۰۳ ق: ۱۴۲) و آزادی بسان یک امانت و مسئولیتی همراه با آگاهی نسبت به حق و پایبندی به آن در نظر گرفته می‌شود (الغنوشی، ۱۳۸۱: ۱۲). نیز حقوق بشر متعالی زمینه‌ساز اقامه شعائر اسلامی، تعلیم و تربیت بر اساس بینش اسلامی و نهادینه ساختن کرامت انسانی دانسته می‌شود. (شبان‌نیا، ۱۳۹۳: ۱۷۳ - ۱۱۹)

ج) اسلام؛ ضامن تحقق غایات در نظام سیاسی پیشرفته

بر خلاف نظریات توسعه سیاسی غرب که مبتنی بر فلسفه تاریخ متدانیه (گذار انسان و جوامع از دوره‌های موسوم به کلامی و فراطبیعی به دوره علمی) می‌باشد (عالم، ۱۳۷۷: ۴۹۴) و معتقد است که سه نوع سیادت، اقتدار و مشروعیتِ کاریزماتیک، سنتی و عقلانی وجود دارد (وبر، ۱۳۷۴: ۲۷۴ - ۲۶۹) و دوره مدرن را به دلیل اعتقاد به آموزه حقوق طبیعی برخوردار از خالصترین نوع مشروعیت می‌داند (همان: ۴۳)، و لذا با آغاز توسعه، افول مذهب و اعتقاد به غیب اجتناب‌ناپذیر است (واینر و هانتینگتون، ۱۳۷۹: ۲۷۲)، در نظریه پیشرفت سیاسی اسلامی و نظام سیاسی پیشرفته اسلامی، دین عموماً و اسلام خصوصاً امری الهی و ارزشمند تلقی می‌گردد. این ارزشمندی مسبوق به این برداشت انسان‌شناختی و دین‌شناختی است که انسان دانش و قدرت فراوانی برای شناخت نیازهای اصیل و راه‌های تحقق آنها ندارد. از این‌رو لطف الهی شامل بندگان شده تا با ارسال رسل و انزال کتب هادی آنها باشد (آل عمران: ۱۶۴).^۱ انسان در زندگی فردی و حیات اجتماعی خود در صورتی می‌تواند سعادت حقیقی خود و راه رسیدن به آن را بشناسد که متدین به ادیان توحیدی باشد. این حقیقت مرهون جامعیت دین و آموزه‌های آن است. زیرا همانطور که خداوند جامع جمیع کمالات است، نام جلاله او؛ «الله» دربردارنده جمیع اوصاف ثبوتی و سلبی است و قرآن جامع همه علوم و امور است. دین نیز حقیقتی است مشتمل بر تمام آنچه که انسان در زندگانی فردی و اجتماعی به آن نیاز دارد. به عبارتی می‌توان مقاصد شریعت در ضروریات، حاجیات و تحسینیات خلاصه کرد و مقاصد ضروری شریعت یعنی حفظ دین (دین)، جان (امنیت)، نسل (خانواده)،

۱. لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ.

مال (اقتصاد) و عقل (آموزش و پرورش) را در جهت رفع نیازهای راستین انسان دانست (الشاطبی، ۱۴۱۵ق: ۳۲۶ - ۳۲۴). بنابراین در صورتی که نظام سیاسی، دینی باشد، به تبع سیراب شدن عقول نظری رهبران و شهروندان از سرچشمه معارف ناب دینی و در نتیجه دیدن حقایق و نیز کمال و تربیت عقول عملی آنها و در نتیجه انجام خیرات رفتاری در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، علمی و ... نظام سیاسی پیشرفته خواهد بود. نتیجه اشراک دین و آموزه‌های دینی در عقول کارگزاران و تابعین نظام سیاسی، آن است که با دینی بودن نظام سیاسی، پیشرفت در حوزه‌های مختلف محقق شده و شاهد پیشرفت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و ... خواهیم بود. بر همین اساس است که در بیانات اندیشمند سیاسی متعالیه بر حفظ اسلام بسان یک امانت (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۵ / ۱۱۶)^۱ و فریضه (همان: ۳۲۹)^۲ بسیار تأکید شده است و حتی برای حصول استقلال اقتصادی در حوزه نفت و انرژی به اسلام توصیه می‌کند (همو، ۱۳۷۹: ۷ / ۴۵۹)^۳. از این روست که می‌توان نسبت بین نظام سیاسی دینی و نظام سیاسی پیشرفته را «تساوی» دانست. یعنی اگرچه این دو اصطلاح از نظر مفهومی متفاوت هستند اما از نظر مصداقی واحد هستند. متقابلاً به هر میزان عقول نظری و عملی رهبران و شهروندان از معرفت دینی و عمل به آموزه‌های دینی به دور باشد، این نظام مبتلا به ضعف، عقب‌ماندگی و پسرفت خواهد شد. از این رو می‌توان بروز اختلالات و بیماری‌های روان‌شناختی در حوزه فردی، بیماری‌های جسمی و گسترش انواع سرطان‌ها و بیماری‌های نادر و پرهزینه همچون HIV و MS و آسیب‌های اجتماعی همچون طلاق و اعتیاد، جرائم و بزه‌کاری‌هایی مثل اختلاس، سرقت و قتل را پیامد عاری شدن نفوس مردم و مسئولین نظام سیاسی از معارف انسان‌ساز و جامعه‌ساز دینی دانست.

د) استلزامات نقش‌آفرینی دین در تحقق غایات نظام سیاسی پیشرفته

۱. شناخت دین حقیقی

روشن است که رسیدن به این کارکردهای پیش‌گفته دین در حوزه فرد، جامعه و نظام سیاسی ملزوماتی دارد. از جمله آنها شناخت اسلام راستین و حقیقی است. چه اینکه علی‌رغم آنکه در اسلام، خدا، نبی و قرآن واحد مطرح است، منتها تفاسیر متعدد از این حقایق واحد موجب بروز فرقی مختلفی در دنیای اسلام شده است. امری که در پیش‌بینی‌های رسول مهربانی‌ها به تفرق امت اسلامی به ۷۳ دسته تعبیر شده است.

۱. اسلام در دست ما امانت است و ما موظفیم تا این امانت را حفظ کنیم.

۲. حفظ اسلام یک فریضه الهی است، بالاتر از تمام فرایض؛ یعنی، هیچ فریضه‌ای در اسلام بالاتر از حفظ خود اسلام نیست.

۳. ما اسلام را می‌خواهیم، اسلام که آمد، نفت هم مال خودمان می‌شود. مقصد ما اسلام است.

۷۲ دسته به کشف حقیقت و ایمان راستین به آن نائل نیامده و تنها یک دسته با عنوان «فته ناجیه» به این مهم رسیده‌اند (حرعاملی، ۱۴۲۵ق: ۳ / ۵۰ - ۴۹).^۱ در لسان حکیم متعالیه، پیروان حقیقی این گروه که در تلاش برای فهم آموزه‌های بنیادینی همچون «ولایت» کامیاب بوده و در مواجهه با اقتضائات و دستاوردهای مدرن و جدید بهترین راهبرد را اتخاذ کرده، به پیروان «اسلام ناب» متصف شده‌اند (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۲۱ / ۱۹۵). اینان با تشکیل و تدبیر نظام سیاسی پیشرفته و تبعیت از «قانون شریعت که حافظ نظام و ضامن سعادت و آسایش و آرامش کلیه افراد بشر است» (الشیرازی، ۱۳۹۵: ۴۹۱) به تحصیل غایات متوسط به‌منظور وصول به غایت نهایی اقدام می‌کنند. نقطه مقابل که با عناوینی همچون اسلام آمریکایی (امام خمینی، ۱۳۷۹، ۲۱ / ۱۴۵)، تشیع انگلیسی و تسنن آمریکایی (خامنه‌ای، ۲۷ / ۹ / ۱۳۹۵) خوانده شده‌اند، نه تنها از فهم صحیح و عمیق حقایق اسلامی و وقایع تاریخی معاصر فاصله داشته و قادر به تشکیل و تدبیر نظام سیاسی پیشرفته نیستند، بلکه در جهان تسنن با توطئه انگلستان به ظهور آئین وهابیت (ن. ک. هامفری، ۱۳۶۲) و تشکیل گروه‌هایی همچون القاعده و داعش و در دنیای تشیع با توطئه روس‌ها به ظهور فرقه‌هایی همچون شیخیه و بهائیت منتهی شده (دالگورکی، ۱۳۸۲: ۷۴ - ۷۱) که نه تنها سازندگی نداشته بلکه به ابزاری در دست مستکبرین عالم در جهت فرصت‌سوزی در جوامع اسلامی از طریق جنگ نظامی^۲ و تبلیغات رسانه‌ای^۳ تبدیل شده‌اند.

۲. تلاش در جهت نظام‌شناسی و نظام‌سازی دینی

از دیگر ملزومات رسیدن به نظام سیاسی پیشرفته اسلامی که اهداف میانی و متوسط در آن تأمین می‌گردد، تلاش برای نظام‌سازی دینی است. اکثریت قریب به اتفاق علما و اندیشمندان اسلامی با نگاهی جامع به دین معتقدند گستره و قلمرو دین و منابع دینی نه منحصر در حوزه امور فردی بلکه علاوه بر آن شامل ساختارهای اجتماعی و سیاسی نیز است. از این منظر «مذهب اسلام از هنگام ظهورش متعرض

۱. و عن سلیم بن قیس عن علیّ علیه السلام عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال: افرقت أمة أخی موسی علی إحدی و سبعین فرقة، سبعون فی النار و واحدة فی الجنة و هی التي اتبعت وصیّه، و افرقت أمة عیسی علی اثنتین و سبعین فرقة، إحدی و سبعون فی النار و واحدة فی الجنة و هی التي اتبعت وصیّه، و تفرقت أمتی علی ثلاث و سبعین فرقة اثنتان و سبعون فی النار و واحدة فی الجنة، و هی التي اتبعت وصیّی و ضرب بیده علی منکبی، ثم قال: و هی شیعتک.

۲. داعش در میان فرق اهل تسنن، جنایات و خونریزی خود را در میان کشورهای اسلامی متمرکز ساخته و از شلیک حتی یک گلوله به دشمنان واقعی جهان اسلام خودداری کرده است.

۳. جریان تشیع انگلیسی که تبری و تقابل میان اسلام و کفر را به تعارض میان تشیع و تسنن تقلیل داده است، با استفاده از امکانات رسانه‌ای که انگلستان در اختیار آنها گذاشته است، در جهت تفرقه‌افکنی میان شیعیان و اهل سنت اقدام می‌کند.

نظام‌های حاکم در جامعه بوده و خود دارای سیستم و نظام خاص اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی بوده است که برای تمامی ابعاد و شئون زندگی فردی و اجتماعی قوانین خاصی وضع کرده است و جز آن را برای سعادت جامعه نمی‌پذیرد». (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۵ / ۳۸۹) البته برخورداری دین از ساختار و نظام اجتماعی بدین معنا نیست که متون دینی یک یا چند ساختار مشخص را برای همه ادوار تاریخ صراحتاً ذکر کرده باشند، منظور آن است که اولاً در حوزه مسائل کلامی و پرسش از قلمرو دین و انتظارات از آن، دین متکفل دنیاسازی متعالی به مقصود رسیدن به غایات متعالیه فرض شده است و ثانیاً متون دینی در حوزه نظر، برخوردار از ظرفیت کشف ساختارهای اجتماعی از طریق فرایند دقیق و پیچیده اجتهاد هستند و ثالثاً در حوزه عمل کارگزاران متعالی به ساختارسازی متعالی اقدام می‌کنند.

۳. گزینش کارگزاران و مدیران شایسته

کارگزاران نظام سیاسی عهده‌دار تنظیم امور در جهت تمهید زمینه برای تحقق غایات و آرمان‌ها هستند. برای تحقق غایات متعالی نیاز به حکمرانی کارگزاران متعالی و شایسته است. از این‌رو در زمان ظهور انبیاء^۸ و ائمه معصومین^۹ آنها باید به تأسیس و تدبیر نظام سیاسی پیشرفته اقدام کنند و در زمان غیبت ایشان نزدیکترین افراد به ایشان یعنی فقهای جامع‌الشرایط به این مهم اقدام می‌کنند.

از جمله امتیازات نظام سیاسی پیشرفته اوصاف و ویژگی‌هایی است که برای کارگزاران مستقیم و غیر مستقیم بر می‌شمارد. نظر به شئون مختلف نفس مجرد انسانی، این ویژگی‌ها در سه بخش اعتقادی، اخلاقی و رفتاری تقسیم می‌گردد. والاترین باورهای اعتقادی به حقایق متعالی در آموزه‌های جامع دینی آمده است و در علم کلام به بحث گذاشته می‌شود. رهبران و مردم در این نظام به اسلام ناب محمدی که جامع امور فردی و اجتماعی است و اسلام سیاسی نیز نام دارد، اعتقاد دارند و لذا گرایش «کلام سیاسی» جایگاهی ارزشمند می‌یابد. همچنین برخورداری مسئولین و مردم از فضائل اخلاقی، مربوط به عقل نظری و عملی که در گرایش «اخلاق سیاسی» مورد بحث قرار می‌گیرد از دیگر بایسته‌های ایفای نقش کارگزاری در نظام سیاسی پیشرفته است. اساساً ایمان که خصلت اعتقادی است، بنیاد فضائل اخلاقی است و فضائل اخلاقی فردی شرط لازم برای تحقق فضائل اجتماعی همچون عدالت، آزادی و امنیت است. از دیگر تمایزها و امتیازات نظام سیاسی پیشرفته در برابر نظام سیاسی توسعه‌یافته، پذیرش ربوبیت تشریحی الهی است که منجر به ظهور نظام حقوقی دینی در نظام سیاسی پیشرفته اسلامی می‌گردد. از این‌رو دانش فقه سیاسی که عهده‌دار بیان رفتارهای مطلوب و نامطلوب است، از جایگاه در خوری در این نظام برخوردار است و تطابق رفتارهای مسئولین و مردم با معیارهای اعلام شده در این دانش از دیگر الزامات و بایسته‌های نظام سیاسی پیشرفته است. طبیعی است که با اتصاف نفوس

کارگزاران مستقیم و غیر مستقیم به بایسته‌های سه‌گانه پیش‌گفته، می‌توان امید به کارآمدی نظام سیاسی پیشرفته اسلامی در تحقق غایات و آرمان‌ها از تأسیس و تدبیر این نظام داشت.

نتیجه

برآیند مباحث ذکر شده در پیکره تحقیق حاضر، گویای آن است که برخلاف نظام‌های سیاسی توسعه‌یافته غرب مدرن و معاصر که صرفاً اهداف مادی و دنیوی را مدنظر قرار می‌دهند، در نظام سیاسی پیشرفته اسلامی دو سطح از غایات مدنظر قرار می‌گیرد. غایت نهایی همان کمال نفس انسان است که غرض از خلقت انسان نیز محسوب می‌گردد. تحقق این غایت مستلزم پیشرفت انسان در سه سطح باورها، اخلاقیات و رفتار و نیز توجه به دانش‌های نظری و عملی است. از سوی دیگر نظام سیاسی پیشرفته اسلامی اهمیت و نقش غایات مادی و دنیوی که مقدمه رسیدن به غایت نهایی هستند را نادیده نمی‌گیرد. از این رو علاوه بر به رسمیت شناختن تنوع و تکثر این غایات، رویکرد ارزشی به آنها داشته و شرط تحقق خارجی و عینی آنها را توجه به دین و اجرای فرامین آن می‌داند. نقش‌آفرینی دین در حوزه جامعه و سیاسی را نیز منوط به شناخت دین حقیقی، نظام‌شناسی و نظام‌سازی و گزینش صالح‌ترین کارگزاران بر می‌شمارد. نتیجه نهایی این تحقیق را می‌توان توجه نظام سیاسی پیشرفته به غایات از خلقت انسان و تشکیل جامعه و عنایت به غایات و نیازهای مادی و معنوی انسان دانست. امری که در نظام‌های سیاسی توسعه یافته غربی وجود ندارد و صرفاً تأمین نیازهای مادی و دنیوی انسان را مدنظر قرار می‌دهند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

۱. ابن سینا، حسین، ۱۳۸۷، *الأشارات و التنبیهاات*، تحقیق مجتبی زارعی، قم، بوستان کتاب.
۲. امام خمینی رحمته الله علیه، روح‌الله، ۱۳۷۹، *صحیفه امام*، ج ۷، ۱۵، ۲۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، چ ۲.
۳. امام خمینی رحمته الله علیه، روح‌الله، ۱۳۸۷، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، چ ۳.
۴. امام خمینی رحمته الله علیه، روح‌الله، ۱۴۱۵ ق، *کتاب البیع*، بی‌جا، مؤسسه النشر الاسلامی.
۵. اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱ ق، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*، ج ۲، تصحیح سید هاشم محلاتی، تبریز، بنی‌هاشمی.

علت غائی نظام سیاسی پیشرفته اسلامی؛ چیستی، ابعاد و استلزامات حصول آن □ ۸۵

۶. اردبیلی، عبدالغنی، ۱۳۸۱، *تقریرات فلسفه امام خمینی* (ع)، ج ۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
۷. ارسطو، ۱۳۷۸، *اخلاق نیکوماخوس*، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران، طرح نو.
۸. تهرانی، مجتبی، ۱۳۹۱، *اخلاق الهی*، ج ۱، تدوین محمدرضا جباران، با نظارت علی اکبر رشاد، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۹. جاذبی، مجتبی و مهدی مشکئی، ۱۴۰۰، «غایت باوری و سرشت قدسی دولت متعالیه»، *فصلنامه سیاست متعالیه*، ش ۳۴، ص ۲۶-۷.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۱، *شریعت در آئینه معرفت*، تنظیم و ویرایش حمید پارسانیا، قم، اسراء.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، «حکمت نظری و عملی و جایگاه حکمت سیاسی متعالیه» در: *سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه*، ج ۱، به کوشش شریف لکزایی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، *ولایت فقیه؛ ولایت فقهت و عدالت*، تنظیم و ویرایش محمد محرابی، قم، اسراء.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱، *سروش هدایت*، به کوشش سعید بندعلی، قم، اسراء.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۳، *رحیق مختوم*، جلد ۱، ق ۱، تنظیم و تدوین حمید پارسانیا، قم، نشر اسراء.
۱۵. الحرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۲۵ ق، *اثبات الهداة*، ج ۳، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۶. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۸۸، *بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان*، www.khamenei.ir.
۱۷. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۵، *بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی*، www.khamenei.ir.
۱۸. دالگورکی، کینیاز، ۱۳۸۲، *خاطرات سیاسی جاسوس روسی کینیاز دالگورکی در ایران*، تحقیق عبدالعلی یاسینی نسب، قم، صبوری.
۱۹. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، *نعت نامه*، جلد ۱۰، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۰. دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۰۸ ق، *اعلام‌الدین فی صفات المؤمنین*، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع).
۲۱. السبحانی، جعفر، ۱۴۲۷ ق، *بحوث فی الملل والنحل*، الجزء الثالث، قم، مؤسسه الامام صادق (ع).
۲۲. الشاطبی، ابی اسحاق، ۱۴۱۵ ق، *الموافقات فی اصول الشریعه*، شرحه عبدالله دراز، المجلد الاول، بیروت، دارالمعرفه.

۲۳. شبان‌نیا، قاسم، ۱۳۹۳، *حقوق بشر در پرتو حکومت اسلامی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته.
۲۴. شریف القرشی، باقر، ۱۳۹۵، *دانشنامه امام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام*، ج ۲، ترجمه سید محمد صالحی، قم، دار التهذیب.
۲۵. شیرازی، سید رضی، ۱۳۸۳، *درس‌های شرح منظومه حکیم سبزواری*، ج ۱، ویرایش ف فنا، تهران، مؤسسه انتشارات حکمت.
۲۶. شیرازی، صدرالدین محمد، ۱۳۶۴، *تفسیر القرآن الکریم*، ج ۳، تصحیح محمد خواجه‌ای، قم، بیدار.
۲۷. شیرازی، صدرالدین محمد، ۱۳۹۵، *الشواهد الربوبیه*، ترجمه و شرح جواد مصلح، تهران، سروش.
۲۸. شیرازی، صدرالدین محمد، ۱۹۸۱ م، *الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، ج ۱، بیروت، دار احیاء التراث.
۲۹. الصدر، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *الاسلام یقود الحیاه*، الطبعة الثانية، طهران، وزارة الارشاد الاسلامی.
۳۰. عالم، عبدالرحمن، ۱۳۷۷، *تاریخ فلسفه سیاسی غرب: عصر جدید و سده نوزدهم*، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
۳۱. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۸۰، «دو گفت‌وگو در باب حکومت دینی، حکومت سکولار»، *قیسات*، دوره ۶، ش ۲۰ و ۲۱، ص ۲۷ - ۳.
۳۲. الغنوشی، راشد، ۱۳۸۱، *آزادی‌های عمومی در حکومت اسلامی*، ترجمه حسین صابری، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. *پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
۳۳. فارابی، ابونصر، ۱۳۸۸، *فصول منتزعه*، ترجمه و شرح حسن ملکشاهی، تهران، سروش، ج ۲.
۳۴. فارابی، ابونصر، ۱۳۹۰، *التنبیه علی سبیل السعادة*، مقدمه و ترجمه نواب مقدمی، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۳۵. فارابی، ابونصر، ۱۹۸۶ م، *کتاب المله و نصوص اخرى*، تحقیق محسن مهدی، الطبعة الثانية، بیروت، دار المشرق.
۳۶. فارابی، ابونصر، ۱۹۹۱ م، *آراء اهل المدينة الفاضلة*، الطبعة السادسة، بیروت، دار المشرق.
۳۷. قزلسفلی، محمدتقی، ۱۳۹۳، «فلسفه سیاسی در عصر جهانی»، *راهبرد*، سال بیست و سوم، ش ۷۲، ص ۵۶.

۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۳، *الکافی*، ج ۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۹. کوئن، بروس، ۱۳۷۶، *درآمدی بر جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، فرهنگ معاصر.
۴۰. گن ذیر، ایرنا، ۱۳۶۹، *کارگردانی دگرگونی سیاسی در جهان سوم*، ترجمه احمد تدین، تهران، نشر سفیر.
۴۱. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحارالانوار*، ج ۳۰، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۲.
۴۲. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۲، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، بیجا، سازمان تبلیغات اسلامی.
۴۳. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱، *آموزش فلسفه*، ج ۲، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله.
۴۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸، *آشنایی با قرآن*، ج ۶، تهران، صدرا، چ ۴.
۴۵. میراحمدی، منصور، ۱۳۹۰، «فقه و امر سیاسی»، *جستارهای سیاسی معاصر*، سال دوم، ش ۱، ص ۱۳۶-۱۱۷.
۴۶. هامفری، ۱۳۶۲، *خاطرات همفری؛ جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی*، ترجمه محسن مؤیدی، تهران، امیرکبیر.
۴۷. واینر، مایرون و ساموئل هانتینگتون، ۱۳۷۹، *درک توسعه سیاسی*، ترجمه پژوهشگاه مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشگاه مطالعات راهبردی.
۴۸. وبر، ماکس، ۱۳۷۴، *اقتصاد و جامعه*، ترجمه عباس منوچهری و همکاران، تهران، انتشارات مولی.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی